

فرهنگ‌یگان

علی جمشیدی و **مریم عاقلی**

گروه‌سیاسی

گاهی اوقات اتفاقات عجیب و غریبی در کشور رخ می‌دهد. برخی افراد حرف‌هایی می‌زنند که نمی‌دانیم باید تعجب کنیم، به چشم طنز به آنها بنگریم یا واقعا با استدلال‌های علمی و منطقی به استقبال شان برویم. محمود احمدی‌نژاد که نیازی نیست به دگردیدی فکری و سیاسی او اشاره‌ای شود، در دورانی که کمتر کسی از مذاکره با آمریکا آن‌هم آمریکای ترامپ سخن می‌گوید، در مصاحبه‌ای از آغاز مذاکرات و امکان موفقیت آن سخن گفته و با عبارت جالب‌توجهی می‌که تواند دوباره برای مدت‌ها سوژه رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی باشد به استقبال چنین مذاکراتی رفته است. رئیس‌جمهور سابق می‌گوید: «ایران و آمریکا می‌توانند محور وحدت دنیا باشند!!»
سواى احمدی‌نژاد که اظهارنظر اخیرش فاقد هرگونه استدلال علمى است، برخى چهره‌های سیاسى و اقتصادى که گاهى تلاش مى‌کنند از جایگاه علمى خود به این موضوع ورود کنند هم در این روزها اظهارات مشابهی را مطرح کرده و دلایلی را هم برای حرف خود می‌تراشند. برای مثال محسن زبانی از فعالان اصلاح‌طلب در گفت‌وگویی توضیح داده که چون ایران در میانه‌دورزله‌بزرگ قرار دارد، یکی زلزله ۸٫۸ و دیگری زلزله بهار ۱۴۰۰، تا فرصت باقی‌است باید مذاکره با آمریکا آغاز شود و به نتیجه برسد. او البته سواى این ترسی که تلاش کرده از عدم مذاکره برای ایران بسازد:استدلال کرده که امروز توازنى میان ایران و آمریکا شکل گرفته و با توجه به جایگاه کنونی ترامپ در آمریکا و شرایط جدیدی که برای او به وجود آمده، بهترین فرصت برای مذاکره فراهم شده است. این استدلال البته برای اولین بار نیست که از جانب فعالان اصلاح‌طلب و کسانی که گمان می‌کنند حل مشکلات اقتصادی ایران در گرو مذاکره با آمریکااست، بیان می‌شود و هربار هم بهانه‌ای برای آن تولید. البته وجه‌مشترک این اظهارات گزینه مهم‌تری هم دارد، همان ایجاد ترسی که در ادبیات افراد مختلف این جریان از تاج‌زاده تا محسن امین‌زاده و از حسین موسویان تا محسن زبانی دیده می‌شود، همان Deadlineهایی که یک‌بار انتخابات ایران است و بار دیگر انتخابات آمریکا، یک‌بار ژانویه است بار دیگر نوامبر و هربار هم گفته می‌شود اگر چنان نشود و چها که نمی‌شود. هرچند پیش از این استدلال‌هایی در «فرهیختگان» و بعضا رسانه‌های دیگر درباره چرایی خطابوون استدلال این دست افراد مطرح شده و به تناوب توضیحات مبسوطی ارائه شده است، اما از آنجایی که این بار این دست اظهارات با حرف‌های فردی چون محمود احمدی‌نژاد هم همراه شده، می‌شود دوباره برخی دلایل و منطق‌ها را ارائه کرد تا مشخص شود که این راه چقدر خطرناک و تا چه میزان می‌تواند برای کشور آسیب‌زا باشد.

اول: به‌صورت مبنایی استدلال‌هایی که برمبنای ترساندن مردم از آینده و با استفاده از اهرم زمان مطرح می‌شود همواره فاقد

گفت و گو

سفیر اسبق ایران در اردن در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ترامپ هیچ فرصتی برای کار دیپلماتیک باقی نگذاشته است

استفاده ترامپ از برگ ایران برای سروسامان دادن به سید انتخاباتی‌اش

نصرت‌الله تاجیک، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به اظهارات برخی مسئولان سابق کشور و برخی چهره‌های اصلاح‌طلب برای مذاکره با آمریکا و درباره این نکته که آیا اساسا چنین ظرفیتی وجود دارد یا خیر، اظهار داشت: «این نکته که آیا شرایط مذاکره بین ایران و آمریکا از نظر تئوریک و میدانی برقرار است یاخیر، باید گفت استراتژی ترامپ مقابل ایران، فشار حداکثری به‌منظور شورش مردم علیه حکومت و نهایتا تغییر رژیم است. «تاجیک با بیان اینکه ترامپ در چند سال گذشته چنین رویکردی داشته است، ادامه داد: «اکنون ترامپ با سلسله‌اقداماتی که از نظر سیاسی، بین‌المللی و روابط دوجانبه و به‌ویژه ورود به حوزه امنیت ملی و عبور از خطوطقرمز ما از جمله حمله به کاروان نظامیان ایرانی و عراقی در بغداد انجام داده، نشان می‌دهد ترامپ پای خود را از خطوطقرمز بیرون گذاشته و به‌دنبال فروپاشی رژیم حتی به قیمت تجزیه ایران است.» این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «با توجه به استراتژی فعلی ترامپ هیچ فرصتی برای کار دیپلماتیک باقی نمی‌ماند و این بخش تئوریک و ذهنی موضوع است. «وی در بخش دوم این تحلیل به عملکرد عینی و میدانی موضوع پرداخت و گفت: «ترامپ در داخل کشور خود مشکلات عدیده‌ای دارد:در مدیریت کرونا،تظاهرات، تبعیض نژادی که ناشی از فقر شدیدبخشی از جامعه آمریکااست و رکود اقتصادی وضعیت بدی دارد. «تاجیک با اشاره به لطمه شدید اقتصاد آمریکا و افزایش تعداد بیکاران در این کشور افزود: «از نظر روابط خارجی نیز آمریکا با مشکلات عدیده‌ای در ارتباط با چین و تاحدی روسیه و اروپا دارد.»

ترامپ می‌خواهد از برگ ایران برای سروسامان دادن به سید رای خود استفاده کند
این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به توثیت ترامپ پس از تبادل زندانیان مبنی بر اینکه «حاضر مذاکره کنم»، تصریح کرد: «ترامپ می‌خواهد از برگ ایران برای سروسامان دادن به سید رای خود استفاده کند، درحالی که از نظر عینی و ذهنی هیچ زمینه‌ای برای مذاکره با ترامپ نداریم.» وی درباره مذاکره تحت‌فشار و تهدید به تلاش آمریکا برای فعال کردن مکانیسم ماشه، تحریم ۱۱۱ صفحه‌ای اخیر، تحریم کشتی‌های ایرانی و همچنین تجربه ناموفق آمریکا در ارتباط با کره و چین پرداخت و گفت: «ترامپ در مذاکرات بین‌المللی خود موفق نبوده و حتی نتوانست

اصالت لازم برای طرح به‌عنوان یک منطق قوی و قابل اعتنا هستند، چراکه اگر بنا باشد با چنین محدودیت‌هایی یک مذاکره آغاز شود، آنگاه باید همه پارامترهای مشابه و از همین جنس و با همین سطح از اعتبار را نیز در مذاکره دخیل کرد. اتفاقی که حتما باعث خواهد شد مذاکره‌کنندگان از موضع ضعف درگیر ماجرا شوند و از توجه به ابعاد مختلف یک مذاکره و اداره فرآیند از موضع قدرت دوری گزینند؛ چراکه خود را در قید زمان گذاشته‌اند و طبیعا نتیجه چنین اقدامی هم معلوم است.

دوم: مساله دوم به خود رئیس‌جمهور آمریکا و شخصیت دونالد ترامپ برمی‌گردد. درباره ترامپ سه نکته مهم را می‌توان ذکر کرد.

الف: دونالد ترامپ کسی است که بدون رعایت حداقلی از موازین قانونی و عرفی، از برجام خارج شد و شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران را اعمال کرد. او در این ۲۷ ماه در مسیر فشار حداکثری از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و هرآنچه از دشمنی می‌توانسته در قبال ایران انجام داده است، از ایجاد محدودیت‌های گسترده اقتصادی برای فشار بر زندگی مردم، ایجاد محدودیت در مسیر واردات اقلام حیاتی و بشردوستانه چون دارو و اقلام درمانی، تا اقدامات نظامی از جمله تهدیدها و تجاوزهای مختلف و نهایتا هدف قرار دادن یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تاریخ ایران معاصر یعنی سردار سرلشکر حاج‌قاسم سلیمانی. از این‌رو سوال اینجاست، با کسی که در این مدت کوتاه چنین دشمنی‌های گسترده‌ای را علیه ایرانیان روا داشته چطور می‌توان بر سر یک میز نشست و مذاکره کرد و امید داشت که چنین فردی قائل به مصالحه و توافق قابل قبول با ایران باشد.

ب: نکته بعدی درباره شخصیت دیکتاتور و خودرای رئیس‌جمهور آمریکا است. تجربه نشان داده، ترامپ به هیچ منطق و سازوکاری پایبند نیست و به مسیری که در آن ممکن است مصالح و منافع دیگران را نیز تامل نماند، اعتقاد ندارد. وقایع این چند سال نشان داده او به‌جز منافع خود نمی‌تواند تاملین منافع دیگران را ببیند. ترامپ در ۲/۵ سال گذشته و با همین هدف و رویه، با بسیاری از کشورها و حتی نهادهای بین‌المللی درافتاده، سازمان بهداشت جهانی، دیوان کیفری لاهه، پیمان آب و هوایی و چندین مورد دیگر همگی مواردی هستند که در کنار برجام گویای خودرای بودن ترامپ هستند. از این‌رو نمی‌توان امید داشت که با چنین فردی می‌شود به نقطه قابل قبولی که حداقل به قول محمدجواد ظریف برد-برد برسد.
ج: درخصوص غیرقابل اعتماد بودن رئیس‌جمهور کنونی آمریکا باید تامل ویژه‌ای داشت. همه می‌دانند دونالد ترامپ امروز یک‌نظر دارد و فردانظری دیگر. حتی ممکن است نظراتش ساعت‌به‌ساعت تغییر کند، مثلا اکنون می‌گوید مذاکره می‌کند ساعتی بعد منصرف می‌شود. نمونه آن در حاشیه مذاکرات VG در پاریس مشاهده شد. چندین و چند مصداق دیگر هم وجود دارد که در این سال‌ها از او دیده شده است. کسی که ثبات موضع ندارد و قابل اعتماد نیست چطور می‌تواند

سیاست

احمدی نژاد و اصلاح‌طلبان رادیکال به‌طور هم‌زمان پیشنهاد مذاکره با ترامپ دادند

کاسبان ترس در خدمت تروریسم

باشد از دست داده است.

علاوه‌بر این اگر چالش‌های کنونی او تعمیق شود احتمال تک‌دوره‌ای شدنش بیشتر شده و رئیس دولت مستعجل خواهد بود و گفت‌وگو با وی اعتبار‌تر از همیشه.

نختم:دونالد ترامپ با وجود اینکه امروز در شرایط سختی قرار دارد و گفته می‌شود توازنی در قوای او با ایران برقرار شده، همچنان حاضر نیست دست از فشار سنگین و دشمنی‌های مداوم بردارد و از هدف «وارد کردن ایران به میز مذاکره تحت فشار» کنار بکشد.

اونه از یک منبع که از چنین مسیر و با چندین ابزار مختلف امروز در حال ایجاد فشار به ایران است و لذا آغاز هرگونه مذاکره موید تاثیر این فشارها خواهد بود و رسما موضع ضعف را بر ایران غالب خواهد کرد. بنابراین باید گفت امکان گرفتن امتیاز پایدار در شرایط کنونی از ترامپ وجود ندارد.

ششم: چندماه‌ی است که تیم سیاست خارجی ترامپ تلاش می‌کند با استفاده از مکانیسم ماشه یا ابزارهای دیگر ازجمله نفوذ خود در شورای امنیت سازمان ملل، از تعلیق تحریم‌های تسلیحاتی ایران در ۱۸ اکتبر یعنی دو هفته مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا جلوگیری کند. آنها در این مسیر از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده‌اند. لذا با توجه به همین مساله باید مدنظر داشت که ورود به هرگونه مذاکره‌ای به احتمال فراوان مستلزم ارائه امتیازی در همین زمینه خواهد بود، چیزی که هدف اول ایالات متحده در شرایط کنونی است و این به این معنا خواهد بود که با دست خودمان کشور را زیر بار تحریم برده‌ایم و زحمتی که پنج‌سال کشیده شده و هزینه‌ای که برای رسیدن به چنین هدفی پرداخت شده اساسا از دست خواهد رفت.

هفتم: بعد از ماجرای تجارت با ونزوئلا و ارسال پنج نفتکش بزرگ به آمریکای لاتین آن هم با رسمی‌ترین حالت ممکن یعنی برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران و روشن کردن همه دستگاه‌های موقعیت‌یاب و عبور از گذرگاه‌های رسمی به‌ویژه تنگه جبل‌الطارق یعنی همان جایی که نفتکش ایرانی سال گذشته توسط بریتانیا توقیف شد، شرایطی ایجاد شده که گمان‌ها برای عبور از بند تحریم به یقین نزدیک و امیدها بیشتر از همیشه تقویت شده است.
حالا کشورهای جهان می‌دانند که عقب‌زدن ایالات متحده حتی در دوران ترامپ قلدر و در ایام فشار حداکثری شدنی است و به عبارتی حالا که کار به آخر رسیده و چند قدم بیشتر نمانده است، نباید راهیای از بند فشار آمریکا را از دست داد و به امید همراهی و کوتاه آمدن ایالات متحده دست از مسیر قبلی برداشت و در شرایطی باقی‌ماند که با هر حرکت آمریکا کشور دچار چالش بشود.

هشتم: مسلم این است که در مقطع اپیدمی کرونا دورانی از

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مذاکره با ترامپ در شرایط جنگ اقتصادی بی‌معناست

آمریکا بدهکارترین کشور جهان با بالاترین نرخ دامنه از دست رفتگی رفاه شده است

شرایطی باید پرسید چرا ما ساز مخالفت با قدرت‌های بزرگ جهانی را کوک کرده و به سمت استقلال رفتیم؟
«وی با تأکید بر اینکه ایالات متحده آمریکا امروز در نظم جدید جهانی دچار یک از دست‌رفتگی ساختاری شده که این شرایط ایجاب نمی‌کند با آن وارد مذاکره شویم، تصریح کرد: «بحث دیگر در این زمینه نقاط ضعف ایالات متحده آمریکا است که امروز بدهکارترین کشور جهان و دارای بالاترین نرخ دامنه از دست‌رفتگی رفاه است. «شاه‌ویسی در این زمینه به گزارش دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل که در آن ۷۵ شاخص از ظرفیت اقتصاد اجتماعی جامعه آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است، اشاره کرد و افزود: «در آمریکا تعداد فقراى سفیدپوست از سیاه‌پوست، هشت‌میلیون نفر بیشتر است و این یک چالش درونی در ساختار است.» این کارشناس مسائل اقتصاد بین‌الملل با اشاره به تولید قدرتی که با وسعت انقلاب اسلامی قابلیت و عمق راهبردی پیدا کرده است، تصریح کرد: «ایران امروز به حیاط‌خلوت ایالات متحده آمریکا در آمریکای لاتین رسیده است، لذا ترامپ درصدد متوقف کردن ایران است. دوستانی که اصرار دارند مذاکره با آمریکا صورت بگیرد بگویند مهم‌ترین فایده‌ای که این اتفاق برای ما دارد، چیست؟ درحالی که ایالات متحده آمریکا امروز دوست راهبردی کشور عربستان است و اگر گاوهای شیرده عربستان فایده نداشته باشند به زباله‌دان تاریخ انداخته می‌شوند و رژیم عربستان دچار فروپاشی می‌شود.» وی با تأکید بر اینکه برخی در شرایط مختلف به شکل سینوسی شعارهای مختلفی درباره مذاکره با آمریکا می‌دهند، گفت: «اگر دوستان‌ران مذاکره با آمریکا هزینه‌فایده کنند، متوجه می‌شوند مذاکره با ایالات متحده آمریکا که پیش از این نیز در قالب برجام اتفاق افتاد نتوانست برای ما منفعت اقتصادی ایجاد کند و چه‌بسا بالاترین نرخ هزینه، از دست‌رفتگی و خسارت را به کشور وارد کرد.»
شاه‌ویسی افزود: «فاکتوری به‌نام مذاکره باید در وهله اول از روی میز باید برداشته شود، چراکه آمریکا در افول پیچیده و پرسرعتی به‌سر می‌برد و این ایران است که در مسیر صعود پرقدرت قرار دارد.» به گفته این اقتصاددان، هیچ فردی به تصورش خطور نمی‌کرد ما بتوانیم ونزوئلا را از تحریم خارج کنیم درحالی که در چند سال گذشته خود را به‌خاطر آمریکا و بحث مذاکره در بسیاری از حوزه‌ها متوقف کرده بودیم.